

## کارآمدی نظام حل و فصل اختلافات خانوادگی

مائده چینی‌ساز<sup>۱</sup>، سید مهدی میرداداشی<sup>۲</sup>✉، ابراهیم دلشاد<sup>۳</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** خانواده، واحد بنیادین هر جامعه است که شالوده جامعه انسانی و کانون اصلی رشد و تعالی افراد محسوب می‌گردد؛ اما مانند هر نهاد دیگری ممکن است تحت تاثیر نوسانات، تعارضات و اختلافاتی قرار گیرد که با توجه به جایگاه ویژه آن باید تلاش کرد که این اختلافات به نحوی حل و فصل شود تا به جایگاه ارزشمند خانواده و قواعد اخلاقی حاکم بر آن لطمه‌ای وارد نشود.

**روش:** پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** استفاده از روش‌های حل و فصل اختلافات خارج دادگاه با محوریت داوری و یا سیستم ترکیبی از این روش‌ها با سیستم قضایی (دادگاه‌ها) می‌تواند صیانت بیشتری نسبت به سیستم قضایی صرف برای خانواده با خود به همراه داشته باشد و با بهره‌گیری از قوانین و مقررات در عرصه‌های بین‌المللی از جمله الگوهای بهینه‌سازی نهاد داوری که توسط آنستیرال بیان شده و مورد ارزیابی و بررسی دقیق جهت کارآمدتر کردن نهاد داوری ارائه شده است و بومی‌سازی و منطبق‌سازی آنها با فرهنگ داخلی، بهترین و کارآمدترین نهاد داوری در حل و فصل اختلافات خانوادگی را پیاده‌سازی کرد. در کنار این بهره‌مندی از این نهاد ارزشمند و کارا، از نهادهای دیگری چون مشاوران خانواده و مددکاران اجتماعی جهت ریشه‌یابی اختلافات بین زوجین، آسیب‌شناسی آنها و درمان و اصلاح شیوه‌های ناهنجار اجتماعی بهره جست.

**کلیدواژه:** اختلافات خانوادگی، قانون حمایت از خانواده، داوری، مددکاران اجتماعی.

\* استناددهی (APA): چینی‌ساز، مائده؛ میرداداشی، سید مهدی؛ دلشاد، ابراهیم. (۱۴۰۰). کارآمدی نظام حل و فصل اختلافات خانوادگی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۴(۵۴)، ۳۲۹-۱۱۳.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_689917.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_689917.html)

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: maedeh.chinisaz@yahoo.com

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: mirdadashim@yahoo.com

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: edelshad1972@gmail.com



## مقدمه

خانواده اساسی‌ترین بخش هر جامعه محسوب می‌شود و به همین خاطر است که حفظ بنیان خانواده از اولویت‌های هر نظام حقوقی است. ویژگی‌های خاص این نهاد و تاثیرات آن بر مصالح حاکمیت‌ها و نظامات حقوقی، علت اصلی تفاوت بارز این بخش از اجتماع با سایر بخش‌هاست. لذا آسیب به این بخش می‌تواند مصالح جامعه و کشورها را به خطر بیندازد. اختلافات به وجود آمده در خانواده می‌تواند به اساس اجتماع آسیب برساند و به همین خاطر است که دولت‌ها یکی از اصول اصلی خود را اهمیت به خانواده و حفظ بنیان آن می‌دانند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup>، ازدواج و تشکیل خانواده را حق هر زن و مرد بالغ و خانواده را مستحق حمایت جامعه و دولت می‌داند. ماده ۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز خانواده را پایه ساختار جامعه می‌داند. در ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲</sup> و ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» نیز از خانواده به عنوان عنصر طبیعی و اساسی جامعه نام برده که باید از حمایت و مساعدت به حد اعلا می‌تواند برخوردار شود.

لذا از آنجا که بروز اختلافات در این نهاد مانند دیگر بخش‌های جوامع اجتناب‌ناپذیر است؛ در کلیه فرهنگ‌ها و نظامات حقوقی سعی شده است که علاوه بر طراحی برنامه‌هایی جهت جلوگیری و پیشگیری از بروز اختلاف در خانواده‌ها، توجه ویژه نیز به راه‌های حل و فصل اختلاف داشته باشند تا کمترین آسیب را با خود به همراه داشته باشد. تفاوت اصول حاکم بر این دعاوی با سایر دعاوی باعث می‌شود که پذیرای اجرای مقررات خشک و غیرقابل انعطاف آیین دادرسی مدنی و سیستم‌های قضایی و پر تشریفات را نداشته باشد و این قبیل مقررات خشک و دست و پاگیر با روح دعاوی و اختلافات خانوادگی اصولاً سازگاری ندارد. لذا علاوه بر اینکه ضرورت دارد تا قانون‌گذاری و تدوین قوانین در این حوزه با مصالح خاص این بخش طراحی و تنظیم گردد، همچنین می‌بایست آیین حاکم بر دادرسی نیز به صورت خاص و ویژه و منطبق با روح این نهاد تنظیم گردد تا کمترین عوارض و آسیب‌ها را به همراه داشته باشد. در نظام حقوقی کشور ما علی‌رغم تلاش‌های متعدد قانون‌گذار در جهت حمایت از نهاد خانواده، متأسفانه معضلات بسیاری در این بخش ملاحظه می‌گردد که زنگ هشدار را سالهاست به صدا درآورده است و با وجود اصلاحات قانونی و نوآوری‌ها در این عرصه، همچنان دارای خلأهایی است که نتوانسته با اهداف قانون‌گذار و مصلحت‌اندیشی‌های مد نظر همخوانی داشته باشد و به همین اسباب است که نواقص

1. Adopted by UN General Assembly Resolution 217A of 10 december 1948.

۲. این اعلامیه به موجب قطعنامه شماره ۱۹/۴۹-پ۱۹۹۰ در قاهره پایتخت مصر به تصویب رسید.

و عدم تطابقها به وضوح دیده می‌شود و اندیشمندان را به بررسی ابعاد و تحلیل و ارزیابی جهت یافتن روش‌های کارآمدتر و متناسب‌تر با روح خانواده واداشته است.

## ۱. اصول حاکم بر حل و فصل اختلافات خانوادگی

### ۱-۱. تلاش در ایجاد مصالحه بین طرفین دعوا (اصل تسامح)

تلاش در ایجاد صلح و سازش در همه پرونده‌ها وجود دارد و اختصاص به دعاوی خانوادگی ندارد. یکی از مهم‌ترین اصول، چه در فرهنگ و ادبیات شرعی و دینی و چه در سایر فرهنگ‌ها و ادبیات حقوقی و قانونی، صلح و سازش و ایجاد مصالحه بین طرفین است. امری از ابتدای بشریت و از زمان بروز اختلافات بین طرفین، هدف و قصد بشر از ایجاد و گسترش روش‌های حل و فصل اختلافات همین ایجاد مصالحه و صلح ذات‌البین بوده است. حال وقتی که بحث اختلاف و نزاع در قسمت مهم اجتماع که عنصر اصلی تشکیل‌دهنده آن است به میان می‌آید، یقیناً این رسال پررنگ‌تر می‌گردد و برای حفظ کیان خانواده و در نتیجه آن حفظ نظامات اجتماعی صلح و سازش، مصالحه و آشتی نقش مهمی بازی می‌کند. لذا به خاطر اهمیت بالای این دعاوی و اینکه صلح و سازش نتایج مطلوب‌تری را با خود به همراه دارد، استفاده از شیوه‌ها و روش‌هایی که بتواند امکان ایجاد صلح و سازش را افزایش دهد به مراتب بهتر است. لذا با توجه به اهمیت اصل مصالحه، به عنوان یکی از اصول مهم در رسیدگی به دعاوی خانوادگی، مستلزم اختصاص مقررات خاص توجه به آن در تمام اختلافات خانوادگی است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۹-۲۷).

### ۱-۲. اصل توجه به ماهیت خانواده

خانواده اساسی‌ترین بخش هر جامعه محسوب می‌شود و به همین خاطر است که حفظ بنیان خانواده از اولویت‌های هر نظام حقوقی است. ویژگی‌های خاص این نهاد و تأثیرات آن بر مصالح حاکمیت‌ها و نظامات حقوقی، علت اصلی تفاوت بارز این بخش از اجتماع با سایر بخش‌هاست. لذا آسیب به این بخش می‌تواند مصالح جامعه و کشورها را به خطر بیندازد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۹-۲۷)، اختلافات به وجود آمده در خانواده می‌تواند به اساس اجتماع آسیب برساند و به همین خاطر است که دولت‌ها یکی از اصول اصلی خود را اهمیت به خانواده و حفظ بنیان آن می‌دانند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. لذا از آنجا که بروز اختلافات در این نهاد مانند دیگر بخش‌های جوامع اجتناب‌ناپذیر است در کلیه فرهنگ‌ها و نظامات حقوقی سعی شده است که علاوه بر طراحی برنامه‌هایی جهت جلوگیری و پیشگیری از بروز اختلاف در خانواده‌ها، توجه ویژه نیز به راه‌های حل و فصل اختلاف داشته باشند تا کمترین آسیب را با خود به همراه داشته باشد. ماهیت نهاد خانواده که بر پایه عشق و علاقه پایه‌ریزی می‌گردد و ارتباط بین طرفین این عقد با علقه و علاقه‌مندی عجین شده است با ادبیات عقود دیگر و ماهیت عقود دیگر که دنیای صرف محاسباتی

یا حقوقی دارند بسیار متفاوت است و در این نهاد، به علت همان زیربنای عشق و محبت اقداماتی از طرفین برای یکدیگر انجام می‌شود که شاید در هیچ رابطه صرفاً عقلایی محقق نگردد و همین ماهیت متفاوت است که تمام فرمول‌های حقوقی را نیز برهم می‌زند. لذا می‌بایست در هر قسمت این رابطه به این ماهیت و زیربنا توجه ویژه داشت و در حل و فصل اختلافات این حوزه نیز نمی‌توان نگاه حق و حقوقی صرف نمود و آن را با آیین دادرسی و تشریفات دادرسی حاکم بر دیگر دعاوی فیصله داد.

### ۱-۳. اصل اولویت منافع عالیه کودک در بستر خانواده

یکی دیگر از مواردی که نهاد خانواده را از دیگر مکانیسم‌ها و سیستم‌ها و نهادها متمایز می‌سازد، این است که خانواده خاستگاه و بستر رشد و نمو کودکان است و کودک در این نهاد شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. مسئله تربیت و پرورش کودک، از نیازهای ضروری و مهم هر جامعه انسانی محسوب می‌شود. در این میان، تربیت کودک وظیفه خطیری است که به‌ویژه برای والدین مسئولیت‌آفرین است و کیفیت تحقق آن می‌تواند برای فرد، خانواده و جامعه سرنوشت‌ساز باشد. «تربیت» در لغت به معنای پروردن، نشو و نما دادن و زیاد کردن و از ماده «رَبَّو» است که به معنای اوج گرفتن، افزودن و رشد کردن است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹).

برخی گفته‌اند: تربیت، از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن، است؛ اما «تربیت» در اصطلاح، «کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او» است. به عبارت دیگر، «تربیت» شامل «به فعلیت رساندن استعدادها، به کمال رساندن فرد مستعد کمال و نیز مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است» و این امر در بستر خانواده شکل می‌گیرد (امینی، ۱۳۸۰).

مصالح عالیه کودک اگر بخواهیم به صورت تیتروار بیان کنیم، عبارتند از: تأمین و رعایت حقوق کودک؛ احترام به کودک؛ حفظ شخصیت و توجه به عزت نفس کودک؛ توجه به استقلال‌طلبی کودک؛ اظهار محبت به کودک؛ توجه به تربیت جسمانی و عقلانی کودک؛ درونی کردن ارزش‌های دینی و اخلاقی در کودک؛ پرورش فطرت راست‌گویی و صداقت در کودک؛ توجه به تربیت اجتماعی کودک و غیره می‌باشد که می‌توان اظهار داشت، تحقق این موارد و تربیت کامل انسان در گرو تربیت جسمانی، عقلانی، دینی، اخلاقی و اجتماعی است و تمام این موارد در خانواده به عنوان نخستین خاستگاه و بستر شکل می‌گیرد. علاوه بر این موارد، کودک برای تربیت و پرورش نیاز به اتحاد در خانواده و متحد بودن دارد. پدر و مادر برای کودک نمونه اقتدار و قدرت هستند که باید این اقتدار همیشه حفظ شود. از نقطه جامعه‌شناسی و حقوقی کودکان آماده انحراف یا منحرف یا پدر و مادر خود را به هر طریقی از دست داده‌اند، یا از نظر

معنوی رها شده‌اند و یا جز کودکان ولگرد هستند که این نشان می‌دهد؛ عدم پرورش صحیح چه آسیبی می‌تواند بر کودک و مصالح عالیّه آن وارد آورد و این پرورش و حفاظت از مصالح کودک جز در بنیان و نهاد خانواده در جای دیگر شکل نمی‌گیرد.

لذا برای حفظ مصالح عالیّه کودک ناچار به‌دقت در حفظ و جلوگیری از آسیب‌ها به نهاد خاستگاه کودک یعنی خانواده می‌باشیم و حفظ کیان خانواده از این منظر نیز در اولویت می‌باشد و اگر اختلاف در آن بروز کند باید با بهترین روش‌ها و شیوه‌ها که کمترین آسیب را با خود در برداشته باشد، آن را حل و فصل کرد (رحیمی اصفهانی، ۱۳۸۰).

#### ۱-۴. اصل ارجحیت نهادهای غیر محکمه‌ای

تجربه سالیان گذشته، عدم کارایی نظام قضائی کشور را در حل و فصل صحیح و سریع اختلافات مردم به اثبات رسانیده است. تلاش محاکم برای پایان دادن به منازعات به علت کثرت مراجعین، کمبود کادر قضائی و تجهیزات ضروری، عملاً در بسیاری موارد، جز نارضایتی ثمری نداشته است. حتی آنان که پس از مدت‌ها تلاش و مراجعه به دادگاه‌های بدوی، تجدید نظر و احیاناً طی مراحل رسیدگی‌های استثنایی موفق به احقاق حقوق خود می‌شوند به دلیل اطاله دادرسی چندان رضایتی از نظام قضائی کشور ندارند. لذا با توجه به تغییرات اساسی در شیوه زندگی افراد و جامعه پیدا کردن روش‌هایی که بتواند تشریفات را به حداقل برساند، یکی از ضروریات زندگی امروزی است. رو آوردن به روش‌هایی که باعث کم کردن اطاله دادرسی شود، جزو بایدهای سیستم‌های قضایی موفق می‌باشد. لذا تشکیل و ترویج سازمان‌های شبه قضائی و شیوه‌های حل و فصل اختلافات که زیربنای آنها را در قوانین موضوعه داریم، می‌تواند در این زمینه بسیار کارساز باشد. این روش‌ها دارای ویژگی‌هایی خاص و قابل توجه هستند و به همین خاطر استفاده از این شیوه‌ها و روش‌ها تبدیل به یک اصل در قواعد و قوانین بین‌المللی شده است؛ قابلیت دسترسی آسان و سریع، رعایت حداقل تشریفات، بدون هزینه یا کم‌هزینه بودن و حصول به نتیجه سریع می‌باشند (شهلا، ۱۳۸۰: ۷۲-۶۹).

این ویژگی‌ها سبب شده است که در سایر کشورها حل و فصل اکثریت قریب به اتفاق دعاوی بر عهده این سیستم‌ها باشد و در نتیجه دادگاه‌های دادگستری فرصت رسیدگی توأم با دقت بیشتر را به بقیه دعاوی و جرائم مهم که واجد اهمیت اجتماعی و یا پیچیدگی حقوقی می‌باشند به دست می‌آورند. در اکثر نظام‌های حقوقی بین‌المللی به موازات سازمان قضائی رسمی، تشکیلاتی تشکیل شده است که عملاً کار حل و فصل اختلافات فی‌مابین اشخاص را بدون دخالت مراجع قضایی انجام می‌دهند و تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که این گونه تشکیلات شبه قضائی در اغلب موارد از لحاظ کمی بیش از سیستم رسمی قضائی موفق در حل و فصل اختلافات و فیصله

دادن به دعاوی هستند (درویشی، ۱۳۸۴: ۳۹-۳۴) و افراد با رضایت بیشتری به این تشکیلات و نهادها مراجعه می‌کنند و با رضایت بیشتری از آنها خارج می‌شوند.

### ۱-۵. اصل سرعت و دقت

حجم بالای پرونده‌های دادگستری و محاکم باعث بروز اطاله دادرسی می‌گردد که یکی از دغدغه‌های مهم دستگاه قضایی به شمار می‌رود و همین تراکم بالا باعث کاهش کیفیت آرای قضایی و نارضایتی مراجعان به نظام قضایی می‌گردد. از آنجایی که زمانی اختلافات خانوادگی به مرحله دادرسی و اقامه دعوا می‌رسد در وضعیت نابسامان و بدترین حالت خود قرار دارند، این اطاله در دعاوی خانوادگی اهمیت بیشتری دارد؛ خارج شدن از این وضعیت و بازگشت آرامش و صمیمیت به خانواده مستلزم تسریع رسیدگی به این دعاوی است. به عنوان مثال، رسیدگی سریع‌تر به دعاوی الزام به تمکین زوجه، از سرد شدن بیشتر روابط خانوادگی جلوگیری می‌کند یا رسیدگی به دعاوی حضانت نوزاد شیرخوار در مقایسه با دعاوی حقوقی مطالبه وجه نیازمند سرعت بیشتری است؛ اما در کنار نیاز به سرعت در رسیدگی این دعاوی نیاز به دقت بالا هم در رسیدگی دارند؛ چراکه کوچک‌ترین اشتباه، آسیب غیرقابل جبران با خود به همراه خواهد داشت. حال اینکه برخلاف برخی از دعاوی که نیازمند سرعت و تسهیل در تصمیم‌گیری می‌باشند، برخی از دعاوی باید به تعویق انداخته شود و ملاحظه می‌کنیم. در سیستم‌های قضایی مثلاً برای اینکه با طلاق مقابله کنند سعی می‌شود که این پروسه را تا آنجا می‌توانند به تعویق بیندازند.

یکی از مسائل مهم در دعاوی و اختلافات خانوادگی علاوه بر ویژگی‌های منحصر به فرد این نظام، همین چهره‌های دوگانه این دعاوی است که به عنوان دلیل اصلی اعتقاد نویسنده است که یک نظام قضایی واحد و یکنواخت نمی‌تواند مناسب حل و فصل اختلافات خانوادگی باشد و نیاز به نظام حل و فصل اختلاف منعطف در این خصوص را بیش از پیش نشان می‌دهد، نظامی که در برخی موارد به شدت با سرعت تصمیم بگیرد و درگیر تشریفات دست و پاگیر نشود و از جهت دیگر با دقت تصمیم بگیرد و در جای دیگر با سرعت معقول و حساب‌شده‌ای کنترل شود تا امکان ایجاد صلح و سازش را افزایش دهد (جهرمی و السان، ۱۳۹۹: ۱۵۶).

### ۱-۶. اصل ساده و ارزان بودن دادرسی

با توجه به موضوع اختلاف و طرفین دعوا در دعاوی خانوادگی و اینکه رسیدگی‌های محاکم اغلب پرهزینه است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۵). ساده و ارزان بودن رسیدگی به این دعاوی را باید از ضروریات این دعاوی دانست. ساده بودن این دعاوی از این جهت ضروری است که همان‌طور که مشخص است در دعاوی خانوادگی طرفین دعوا یا زوجین هستند و یا یکی از طرفین آنها کودکان و زنان هستند که زوجین یا اطفال غالباً توانایی تخصصی دفاع یا توانایی مالی مستقل برای احقاق

حق از خود را ندارند و به جهت بروز احساسات و عواطف قادر به سنجش و پیشبرد دعاوی خود را اصولاً نداشته و در این امر قطعاً آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر به آنها وارد می‌شود.<sup>۱</sup> لذا هرچه شیوه‌های حل و فصل اختلاف کم‌هزینه‌تر، ساده‌تر و به دور از تشریفات باشد و در محیط‌های به دور از دغدغه‌های قضایی انجام گیرد؛ کمتر به اعضای این نهاد ارزشمند آسیب وارد می‌گردد و از طرفی استفاده از وکیل و یا حقوقدانان برای تمام اعضا خانواده با توجه به تفاوت اعضا این نهاد امکان‌پذیر نیست و در این خصوص برای به حداقل رساندن آسیب‌ها باید تمهیداتی اندیشیده شود تا اعضا خانواده خصوصاً اقشار آسیب‌پذیرتر بتوانند آسان‌تر و ارزان‌تر به اختلافات خود خاتمه دهند.

## ۱-۷. محرمانه بودن دادرسی

یکی از موارد مهم در دعاوی و اختلافات خانوادگی که اصولاً برای طرفین اختلاف بسیار مهم است، محرمانه و غیرعلنی بودن دادرسی است (لامع و مینا، ۱۳۹۹: ۹۳). اصولاً زوجین تمایلی ندارند که دیگران از اسرار خانوادگی آنها اطلاع داشته باشند. در حقوق ایران با توجه به اصل ۱۱۵ قانون اساسی اصل بر علنی بودن رسیدگی‌های قضایی است. محرمانه بودن دادرسی در دعاوی خانوادگی اهمیت زیادی دارد. چگونگی ایجاد تعادل بین احترام به حریم خصوصی افراد و علنی بودن دادرسی از جمله دغدغه‌های مهم نظام‌های حقوقی مختلف در دعاوی خانوادگی است. این مسأله به‌ویژه با توجه به الکترونیکی شدن اسناد و در دسترس بودن آن در فضای مجازی اهمیت بیشتری یافته است. علنی بودن رسیدگی در دعاوی خانوادگی تأثیرات نامطلوبی بر روابط افراد به‌ویژه کودکان دارد. لذا یکی دیگر از مواردی که باید در خصوص انتخاب روش حل و فصل اختلافات دعاوی خانوادگی به آن توجه کرد این است که از روشی استفاده شود که نهایت محرمانگی را داشته باشد.

## ۲. ناکارآمدی نظام حل و فصل اختلاف کنونی

یکی از مسائل و مطالب مهم اساسی که در سیر تاریخی و در سیر قانون‌گذاری به‌وضوح مشخص است و مشاهده می‌کنیم این است که با وجود اینکه در حوزه قانون‌گذاری و مقررات حقوق خانواده، دارای قوانین متعدد و به‌روزرسانی شده‌ای هستیم؛ اما کماکان در حل و فصل دعاوی خانواده مشکلات عدیده‌ای وجود دارد و به‌راحتی با کمی تفحص و تحقیق می‌توان عدم مطابقت سیستم قضایی و روش حل و فصل فعلی را با دعاوی و اختلافات خانوادگی مشاهده کرد. هرچند

۱. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در راستای مصالح خانواده در ماده ۵ مسأله معافیت از پرداخت هزینه دادرسی را در فرض عدم تمکن مالی پیش‌بینی کرده است که از این حیث قابل تحسین است؛ اما قانون‌گذار می‌توانست ردیف بودجه‌ای برای این کار تخصیص دهد که حسن کار چند برابر می‌کرد.

قانون‌گذار در ادوار مختلف سعی نموده است که نزدیک‌ترین و منطبق‌ترین و کم آسیب‌ترین شیوه‌ها را طراحی نماید؛ اما متأسفانه آمار بالای دعاوی خانوادگی و وضعیت حال حاضر سیستم قضایی کشور و شمار پرونده‌ها، اطاله بیش‌ازحد دادرسی در غالب پرونده‌ها و عدم رضایت اصحاب دعوا، نشان از وجود ضعف‌های بسیار در این سیستم دارد و این را می‌رساند که وضع این قوانین و مقررات یا شاید اجرای ناصحیح آنها و یا حتی قانون‌گذاری اشتباه باعث شده که این نظام دادرسی را نتوان نظام موفق قلمداد نمود. یکی از موارد مهمی که فی‌الواقع عدم رعایت آن ایجاد مشکل نموده است، این می‌باشد که تخصصی شدن دادگاه‌ها امروزه با توجه به وسعت و گسترش مسائل مبتلابه روزمره، در تمام زمینه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است و امروزه تمایل سیستم‌های حقوقی دنیا به سوی تخصصی نمودن محاکم هستند. تخصصی شدن محاکم خانواده نیز از جهت اهمیت خانواده و لزوم به‌کارگیری سیاست افتراقی در دعاوی خانوادگی و اجرای این سیاست‌ها قابل توجه است. قانون‌گذار نباید صرفاً به اختصاص دادگاهی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی اکتفا کند؛ بلکه دادگاه اختصاصی باید تخصصی هم باشد. تخصصی نمودن این دادگاه‌ها نیز جز ضروریات است (سادات اسدی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۱).

یکی دیگر از مسائل و مشکلات سیستم‌های قضایی کشور ما این است که قانون حمایت از خانواده تصویب گردیده است. حال فارغ از خوب بودن و مناسب بودن این قانون یا نبودن آن و فارغ از اینکه دادگاه‌های اختصاصی طراحی شده است که تخصصی نیست و با وجود همه وجود نوآوری‌ها و فواید این امر، اما نداشتن آیین دادرسی ویژه در دعاوی خانواده که خاص این دعاوی باشد؛ یکی از معایب این روش حل و فصل اختلاف است. دعاوی خانواده با وجود خاص بودن و ویژگی‌های منحصربه‌فردش نیاز به آیین دادرسی جدای از آیین دادرسی حاکم بر دیگر دعاوی دارد. آیین دادرسی حاکم بر دعاوی حقوقی و کیفری مختص آن دعاوی و منطبق با روح حاکم بر آن دعاوی است که به کل با دنیای دعاوی و اختلافات خانواده تفاوت دارد. لذا آیین دادرسی بر اختلافات خانوادگی نمی‌تواند آیین دادرسی بر سایر دعاوی باشد که دارای چارچوب‌های خشک و غیرقابل انعطاف است و از این‌روست که نبودن آیین دادرسی خاص دعاوی خانواده به‌وضوح در کشور احساس می‌گردد و شاید یکی از معضلات فوق‌العاده مهم در این حوزه، این قضیه باشد (صفری، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۵).

از جهت دیگر با تصویب بند «ج» ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف، دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مشخص در صلاحیت شورای حل اختلاف است. قانون‌گذار زمانی که تصمیم بر تأسیس نهادی تحت عنوان شورای حل و فصل اختلاف نمود، وجود این شورای را به عنوان مرجعی برای صلح و سازش همسو با فلسفه دعاوی خانوادگی تأسیس کرد، اما وجود دادگاه‌های اختصاصی خانواده نیاز به چنین مرجعی را عملاً منتفی می‌سازد. ضمن اینکه



پذیرش این مسأله در تعارض با مواد قانون حمایت خانواده در خصوص شرایط قضاوت دادگاه خانواده است. هرچند که در حال حاضر این شورا بر طبق نظر قانون‌گذار مقرر هست که در جهت هدف ایجاد خود حرکت نماید.

داوری، روش حل و فصل اختلاف کارآمد، منعطف و بسیار کارا که در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ بنا بر دستور شرع مقدس اسلام، ارجاع دعوی طلاق به داوری را الزامی دانسته است. این الزام شرعی و قانونی به منظور ایجاد صلح و سازش بین زوجین متنازع و حمایت از قانون خانواده‌ای است که در شرف از هم گسیختگی می‌باشد. پذیرش داوری در امور خانواده موجب برای کاهش ورود پرونده‌های خانواده به دستگاه قضایی شده است که این کاهش خود سبب تسریع در دادرسی‌ها با تأسیس مراکز داوری، کاهش پرونده‌های قضایی مطرح در دادگاه خانواده شده است (شریعت کرمانی و صباحی گراغانی، ۱۴۰۰: ۱۸۴). در ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند، دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.

درواقع، ارجاع به داوری زمانی پیش‌بینی شده است که زوجین دارای اختلاف شدید با همدیگر و در مرحله طلاق و جدایی هستند. از این‌رو، در این مرحله، انتظار صلح و سازش از سوی داوران در رابطه زن و شوهر امری بعید است. ایراد دیگری که می‌توان بر نهاد داوری در قانون حمایت خانواده وارد نمود، واگذار نمودن تعیین داور به خود زوجین است (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۶). در این وضعیت، زن و شوهری که متمایل به جدایی هستند، اغلب داورانی را برمی‌گزینند که اراده آنها مبنی بر طلاق را تأیید نماید. در نتیجه، عملاً فلسفه داوری در دعاوی خانوادگی که فراهم کردن امکان ادامه زندگی مشترک می‌باشد، از بین می‌رود و این نهاد به یکی از تشریفات در فرایند طلاق زوجین تبدیل می‌شود (خدادادپور و جلالی، ۱۳۹۳: ۲۳۴-۲۳۰) و شاید ایراد اساسی وارد بر این قضیه این باشد که اصلاً گذاشتن اسم داوری بر فرآیندی که اصلاً شبیه داوری نیست، کاری اشتباه به نظر می‌رسد و علاوه بر اینکه آن خصوصیتی که از مکانیسم داوری مورد انتظار است برآورده نمی‌شود، در عمل هم شاهد به انحراف رفتن این جریان هستیم و داوران فقط حکم مشاورانی دارند که عدم توافق زوجین را امضا می‌کنند.

داوری در دعاوی خانوادگی با داوری در دعاوی تجاری متفاوت بوده و داوران حق صدور رأی را ندارند. لذا لازم است تا قوانین در این خصوص اصلاح شده و حل اختلافات خانوادگی از طریق داوری به لحاظ ماهیت، اختیارات داوران و امکان ارجاع موارد بیشتری از اختلافات به داوری شرایط سهل‌تری فراهم نماید (شریعت کرمانی و صباحی گراغانی، ۱۴۰۰: ۱۵۷).

قانون حمایت خانواده در مواد متعدد بر اولویت داشتن صلح و سازش در رسیدگی به دعاوی و اختلافات خانوادگی تأکید کرده است. از جمله به موجب ماده ۱۰ این قانون حمایت خانواده، اذعان داشته برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان حداکثر برای دو بار به تأخیر اندازد (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

راهکار مقرر در این ماده از چند نظر با راهکار مذکور در ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی متفاوت است. از سویی، تأخیر جلسه دادرسی در ماده ۱۰ برای دو نوبت و در مقررات آیین دادرسی مدنی، فقط برای یک نوبت مجاز دانسته شده است. از سوی دیگر، هدف از تأخیر در جلسه رسیدگی در ماده ۱۰ قانون حمایت خانواده فراهم کردن فرصت صلح و سازش است. در حالی که در ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی انگیزه درخواست تأخیر جلسه موضوعیت ندارد و تراضی طرفین دعوا به هر علت که باشد، برای تأخیر جلسه دادرسی، لازم و کافی است. در حالی که در ماده ۱۰ حمایت خانواده درخواست یکی از زوجین نیز برای به تأخیر انداختن جلسه رسیدگی به انگیزه سازش کافی است. در ماده ۱۹ حمایت خانواده به مراکز مشاوره خانواده این اختیار داده شده است که در صورت حصول سازش بین زن و شوهر، اقدام به تنظیم سازش‌نامه نمایند. در صورتی که خدمات مشاوره‌ای منتهی به سازش نشود، مراکز مشاوره خانواده نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به‌طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند (قربانوند، ۱۳۹۳: ۷۴).

مشخص نشده که تنظیم سازش‌نامه توسط مراکز مشاوره خانواده آیا به معنای ختم دادرسی است و پرونده مختومه می‌گردد یا خیر؟ در چنین مواردی، نمی‌توان سازش‌نامه تنظیمی را در حکم گزارش اصلاحی تنظیمی در دادگاه محسوب داشت؛ زیرا با توجه به ملاک تبصره ماده ۱۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی فقط سازش‌نامه تنظیمی توسط قاضی اعتبار سازش در دادگاه را داراست. از این‌رو، مشکل ماده ۱۹ قانون حمایت خانواده آن است که اعتبار سازش‌نامه تنظیمی در مراکز مشاوره خانواده را مشخص نکرده است (صادقی، نیکخواه سرنقی و جوادی، ۱۳۹۸: ۷۶-۷۷)، در چنین وضعیتی، این سازش‌نامه فقط در صورتی اعتبار دارد که توسط دادگاه تنفیذ گردد.

افزایش یا کاهش میزان طلاق با مقولات اصلی مربوط به موضوع داوری، در حوزه فردی (تخصص و مهارت داوران)، در حوزه اجتماعی (محیط داوری) و در حوزه حقوقی (تقدم و تأخر داوری) رابطه دارد؛ یعنی عدم تخصص و آگاهی و بصیرت داوران، محیط متشنج داوری در دادگاه و تقدم ثبت دادخواست طلاق بر داوری، موجب شده که نتایج مطلوبی از اجرای داوری میان زوجین به منظور حل و فصل اختلاف حاصل نشود (شریعت کرمانی و صباحی گراغانی، ۱۴۰۰: ۱۸۴).

### ۳. استفاده از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات و بیان مزایای آنها

امروزه استفاده از نهادهای شبه قضایی مانند «داوری» برای حل و فصل اختلافات حقوقی و کیفری به عنوان یک راهبرد مهم در سیاست قضایی می‌باشد. با گسترش جوامع و افزایش اختلافات و کثرت پرونده‌های قضایی، تلاش برای صلح و سازش در پرونده‌ها و فصل خصومت بین طرفین دعوی از طریق داوری و دیگر روش‌های حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه یکی از راهکارهای مهم برای حل این مشکل می‌باشد. بی‌شک، به فعلیت رساندن استفاده از ظرفیت قانونی موجود در خصوص این نهادها می‌تواند نقش بسیار مهمی در کاهش ورودی پرونده به دادگستری داشته باشد (علیمردانی، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

هرچند بر اساس قانون اساسی «دادگستری مرجع عام رسیدگی به تظلم خواهی افراد است»، اما همیشه پیگیری دعوا در دادگاه‌ها و مراجع قضایی راه‌حل خوبی برای رسیدن به نتیجه به شمار نمی‌رود و همان‌طور که تجار و بازرگانان در دنیا، برای حل اختلافات تجاری خود از روش‌های داوری استفاده می‌کنند، فلذا در دعاوی حقوقی هم استفاده از داوری یک راه‌حل مناسب و سریع در حصول نتیجه است. کما اینکه بر اساس ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند، می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند». دو عامل در رشد و توسعه روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات نقش داشته است: عوامل مرتبط با کیفیت دادگستری و عوامل مرتبط با کارآمدی طرفداری موافقان روش‌های یاد شده، به دلیل آن بوده که طرفین دعوا به توانایی دادگاه‌ها در ارائه راه‌حل منصفانه و عادلانه برای دعوی ایشان اطمینان ندارند؛ ثانیاً نظام رسیدگی دادگاه‌ها به دعاوی، مبتنی بر قواعد انعطاف‌ناپذیر و فرآیندهای پیچیده‌ای است که اغلب تشریفاتی، کند و گران هستند (تنگستانی، ۱۳۹۶: ۳۰).

ترویج صلح و سازش با استفاده از یک پتانسیل قانونی و البته کاملاً عقلایی یکی از راهکارهایی است که می‌تواند دستگاه قضا را بیش از پیش در پیمودن مسیر یاری دهد. در زمان حاضر یکی از معضلات جدی قوه قضاییه حجم بسیار بالای پرونده‌های جاری و از سوی دیگر، تعداد بالای پرونده‌های ورودی به این قوه است که متأسفانه همچنان سیر صعودی دارد و روزبه‌روز نیز بیشتر می‌شود. در مورد آثار حجم بالای پرونده‌ها به عنوان یک معضل می‌توان گفت: این وضع، علاوه بر تحمیل هزینه‌های زیاد و طولانی کردن روند رسیدگی، موجب کاهش دقت در رسیدگی و درنهایت، نارضایتی مردم می‌شود. برای حل این مشکل باید از راهکار کارآمدی استفاده کرد.

اهمیت داوری و روش‌های حل و فصل اختلاف خارج از دادگاه در حقوق خانواده، از آن‌روست که افراد سعی می‌کنند تا از بروز و ظهور مسائل و اختلافات خانوادگی‌شان خودداری کرده و تا حد امکان از حضور رسمی سازمان‌های قضایی در این حریم جلوگیری کرده و برای حل چنین معضلاتی از مرجعی خصوصی‌تر استقبال نمایند. در دعاوی خانواده نهاد داوری می‌تواند در کاهش زمان رسیدگی به دعاوی، کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت رسیدگی قضایی به پرونده‌ها مؤثر باشد. خصوصاً با توجه حجم بالای پرونده‌های ورودی به مراجع دادگستری، قطعاً از کیفیت رسیدگی قضایی کاسته می‌شود و این امر در خصوص اختلافات و دعاوی خانوادگی بسیار خطرناک می‌باشد، خصوصاً به دلیل وجود دو گروه آسیب‌پذیر، یعنی زنان و کودکان. نهاد داوری، مکانیسمی برای حل و فصل اختلافات اشخاص است؛ اصولاً این نهاد خصوصی با رضایت طرفین اختلاف شکل می‌گیرد. داوران آن با رضایت طرفین منصوب می‌گردند و بر اساس اختیاری که به آنان داده می‌شود، به ماهیت اختلاف طرفین رسیدگی و رای لازم‌الاجرائی را صادر می‌نمایند. در بررسی‌های به‌عمل‌آمده ملاحظه می‌گردد که قانون ایران ظرفیت‌های لازم برای به‌کارگیری حل و فصل اختلافات از طریق نهاد داوری را در حل و فصل اختلافات خانوادگی دارد و از این طریق می‌تواند ضمن پیشگیری از جرائم به دلیل تشدید اختلاف میان زوجین موجب کاهش بار محاکم و پیشگیری از اطاله دادرسی و درنهایت بهبود سیستم قضایی می‌گردد (شریعت کرمانی و صباحی گراغانی، ۱۴۰۰: ۱۵۷).

دیگر روش‌های حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه نیز، با توجه به ویژگی‌هایی که دارند، بسیار در حل و فصل دعاوی خانوادگی می‌توانند کمک‌کننده باشند. متداول‌ترین روش‌های حل و فصل اختلاف به غیر از مراجعه به محاکم دادگستری، داوری، سازش، میانجیگری، مذاکره و کارشناسی می‌باشد. این موارد جز پرکاربردترین روش‌های حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه می‌باشند، البته روش‌های غیرمتداول دیگری هم وجود دارد. اصولاً به غیر از داوری در سایر روش‌ها طرفین ملزم و مجبور به انجام و تبعیت از آنها نیستند. نکته اساسی و ویژگی بارز همه این نهادها، فارغ از تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، در این است که کاملاً ارادی و توافقی می‌باشند و تعیین تمام شرایط به عهده طرفین است و محرمانگی جز خصیصه بارز این نهادها می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران در مورد شیوه‌های «جایگزین حل و فصل اختلافات در محاکم قضایی» قانون خاصی وجود ندارد و قوانین پراکنده‌ای وجود دارد؛ اما از دیرباز حل اختلافات از طریق داوری، سازش و میانجیگری و به روش کدخدامنشانه خصوصاً در روستاها و در بین قبایل و عشایر امری معمول و متداول بوده است. در یک مقایسه آماری به‌راحتی می‌توان تأثیر وجود این نهادها را دریافت؛ اما به علت عدم وجود مراکز و سازمان‌های قوی که متولی امر داوری، میانجیگری و سایر شیوه‌های «جایگزین حل و فصل اختلافات در محاکم قضایی» باشند و عدم ترویج فرهنگ

رجوع به داوری، میانجیگری و سایر شیوه‌های حل و فصل اختلاف در کشور ایران، از خاصیت و ویژگی منحصر به فرد این نهادها در حل و فصل اختلافات خانوادگی غافل مانده‌ایم و همین امر سبب شده است که اشخاص بهترین راه احقاق حق خود را مراجعه به دادگاه‌ها می‌دانند و فرهنگ مراجعه به محاکم دادگستری (با وجود بنیه قانونی در زمینه سایر شیوه‌های «جایگزین حل و فصل اختلافات در محاکم قضایی») رواج بیشتری داشته باشد و روشی اطمینان‌آورتر قلمداد شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

با گسترش و ارتقاء جوامع و پیچیدگی ارتباطات، الگوی رفتاری و ارتباطی افراد نیز تغییر می‌کند و همین تغییرات باعث می‌شود که اختلافات میان افراد نیز متنوع‌تر شود؛ لذا سازوکارهای حل و فصل اختلافات نیز به مرور زمان کارآمدی خود را از دست بدهند یا این کارآمدی دچار تقلیل شود. در این خصوص سیاست جوامع برای رفع این مشکل لاجرم، بازنگری و به‌روزرسانی سازوکارهای موجود و یا تأسیس الگوهای جدید و انطباق آنها با توجه به تحولات صورت پذیرفته در گذر زمان است. در راستای پاسخ‌دهی به تحولات و انطباق با شرایط، ممکن است برخی از مقرره‌های قدیمی را حذف و مقرره‌های جدیدی را بیفزایند و یا از نهادهای تخصصی‌ای برای پاسخ‌گویی به نوع خاصی از اختلافات استفاده کند.

یکی از چالش‌های پیش روی سیستم قضایی، کندی تحولات و عدم امکان تطبیق آن با نیازهای در حال تحول در جوامع می‌باشد و یا اینکه این تحولات ممکن است نوعی تورم در سیستم قضایی کشورها ایجاد نماید؛ همین امر سبب می‌شود تا روش‌های جایگزین توسل به محاکم از اهمیت روزافزونی برخوردار شود تا با انعطاف بیشتر، بتواند سازوکارهای حل و فصل اختلافات را با تحولات و نیازهای در حال رشد منطبق نماید. استفاده از نهادهای جایگزین همچون داوری، میانجیگری، سازش و مشاوره را می‌توان در همین راستا دانست.

یکی از نهادهای اجتماعی که از تحول جوامع همواره متأثر می‌گردد، نهاد خانواده است که رشد و توسعه ارتباطات می‌تواند بر ابعاد مختلف آن از جمله نوع اختلافات خانوادگی تأثیرگذار باشد و یا ماهیت آنها را دگرگون کند و در نتیجه تغییر در سیستم‌های حل و فصل اختلافات نیز، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حال این تغییر به معنای عوض کردن قوانین و مقررات حاکم نیست، بلکه گاهی اوقات استفاده از الگوهای قدیمی یا تأسیسات موجود مغفول می‌تواند کارساز باشد. گاهی اوقات نیز اختلافات در آستانه‌ای قرار دارند که توسل به نهاد دادگستری به عنوان اولین مجرا پیشنهاد مناسبی نمی‌تواند باشد. در عین حال در رابطه با اختلافات دیگری که حل و فصل آنها نیازمند مداخله یک نهاد قضایی است، نیز سازوکارهای جایگزین ممکن است نتایج بهتری را به همراه داشته باشند. ماهیت خاص خانواده و اهداف این نهاد، توسل به محاکم

دادگستری را به عنوان آخرین راه حل طلب می کند. در عین حال لازم است تا هرگونه نظام حل و فصل اختلاف در اختلافات خانوادگی، متناسب با خصوصیات این حوزه ترتیب داده شود.

این بدان معناست که اختلافات خانوادگی در چارچوب یک نظامی ترکیبی حل و فصل گردند که مرکب از محاکم دادگستری به عنوان آخرین ابزار توسل و جایگزین های آن، مورد رسیدگی قرار گیرند. این رویکرد ترکیبی می تواند به جهت مختلفی یک نظام کارآمد را ارائه نماید. انعطاف پذیری سازوکارهای جایگزین می تواند از یک سو زمینه برای ایجاد تنش بیشتر میان طرفین به جهت ماهیت تهاجمی محاکم دادگستری را تعدیل نماید و از سوی دیگر می توان متناسب با نوع و شدت اختلاف به راه های متناسب و مناسبی متوسل شد. در عین حال این نظام با پیش بینی رویکردی مبتنی بر حل و فصل حداکثری اختلافات در مراحل قبل از توسل به محاکم و پیش بینی نقش نهاد نهایی برای محاکم دادگستری می تواند یک رویکردی مبتنی بر قضازدایی را نیز دنبال کند.

علی رغم تمایل بسیاری از کشورها به توسعه نظام های تخصصی برای داوری و میانجیگری اختلافات خانوادگی، نظام حقوقی ایران در این خصوص بسیار ابتدایی است. البته نمی توان منکر این واقعیت شد که ترتیباتی هرچند محدود برای بهره گیری از این نظام خاص در قوانین و مقررات ایران قابل مشاهده است. پیش بینی مقرراتی در رابطه با داوری و سازش در قانون آیین دادرسی مدنی و همین طور استقرار تمهیداتی مختص اختلافات خانوادگی در قانون حمایت از خانواده را می توان به عنوان تلاشی برای انطباق نظام دادرسی با تحولات این حوزه معرفی نمود. با این وجود به نظر می رسد این هر دو رویکرد نمی توانند به نحو شایسته ای پاسخگوی نیازهای روزافزون دادگستری برای حل و فصل اختلافات خانواده محور باشند. حجم بالای دعاوی خانوادگی در محاکم خانواده، تنوع دعاوی و طولانی بودن کسب نتیجه به خوبی نشان نا کارآمدی و عدم قابلیت انطباق نظام حل و فصل اختلافات خانوادگی در ایران با نیازهای واقعی و خلأ حرکت به سوی یک سازوکار حل اختلاف تخصصی و مناسب است.

از جمله چالش های سیستم حل و فصل اختلافات موجود می توان به این حقیقت اشاره کرد که در حالی که تنها معدودی از اختلافات خانوادگی قابل ارجاع به داوری نیستند، دادگستری همچنان مرجع اصلی برای رسیدگی به این اختلافات است. به عبارتی سازوکارهای جایگزین مناسبی را نمی توان در این رابطه مشاهده کرد. نظام داوری مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی متشکل از قواعد و مقررات عامی است که توجهی به ماهیت و خصایص و الزامات خاص برخی از انواع اختلافات نبوده است و صرفاً به داوری ناپذیری برخی از اختلافات خانوادگی بسنده کرده است که این امر نیز مخالف با رویکرد نظام های جایگزین در سایر کشورها می باشد. به عبارتی در این نظام داوری با این وجود ملاحظات و نیازهای هر حوزه خاص به طور مجزا در آن پیش بینی نشده

است. به عنوان مثال در رژیم حل و فصل اختلافات خانوادگی لازم است به این توجه شود، هدف از حل و فصل الزاماً در تمام موارد مشخص نمودن محکوم‌له و محکوم‌علیه نیست، بلکه حفظ و تداوم خانواده، احیای روابط مبتنی بر عطف و احترام در ارجحیت قرار دارند. همین امر باعث می‌شود تا قواعد داوری‌ای متناسب با این هدف ضروری باشد.

استفاده از نهاد داوری، مددکاری، مشاوره پلیس قضایی و... برای جلوگیری از طرح این دعاوی در مراجع قضایی ضمن حفظ شأن و حفظ حرمت این مراجع در دید خانواده‌ها، باعث کاهش پرونده‌های دادگستری، کاهش آمار کاذب، ایجاد گوش شنوا برای شنیدن حرف‌های زوجین و مزیت‌های بسیار دیگری خواهد شد. نهادی مانند داوری که با وسعت توانمندی‌اش در حال حاضر نقشی کم‌رنگ و حتی برخلاف ذات واقعی‌اش در دعاوی خانواده بازی می‌کند و بر طبق مقررات قانونی هیچ معنی برای استفاده از آن وجود ندارد، می‌تواند گره‌های کوری را از این اختلافات به راحتی حل نماید.

فقط نیاز است در این قسمت یک سازوکار کارآمد و منطبق با اختلافات خانوادگی و نیازمندی‌های آن طراحی شود که برای اجرای این امر می‌توان با بهره‌گیری از ذخیره قانونی موجود و تدوین مقررات لازم، الگوی طرح را طراحی کرد و با استفاده از قوانین و مقررات در عرصه‌های بین‌المللی از جمله الگوهای بهینه‌سازی نهاد داوری که توسط آنستیرال بیان شده و مورد ارزیابی و بررسی دقیق جهت کارآمدتر کردن نهاد داوری ارائه شده است و بومی‌سازی و منطبق‌سازی آنها با فرهنگ داخلی، بهترین و کارآمدترین نهاد داوری در حل و فصل اختلافات خانوادگی را پیاده‌سازی کرد. به عنوان مثال در حال حاضر داوری در دادگاه‌های خانواده هیچ تأثیری برای جلوگیری از طلاق زوجین ندارد. برای اینکه راهی برای کاهش آمار طلاق ایجاد شود بهتر است جهت جلوگیری از طلاق زوجین داوری در دادگاه خانواده علاوه بر استفاده از افراد متخصص و مسلط به امور روان‌شناسی و آسیب‌شناسی مفهوم داوری را نیز به درستی استفاده نماییم.

## منابع

- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۰). *اسلام و تعلیم و تربیت*. جلد دوم. اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- تنگستانی، محمدقاسم. (۱۳۹۶). *تحقیقات قضایی: حل و فصل اختلافات اجباری از طرق غیر قضایی*. جلد نهم. پژوهشگاه قوه قضاییه.
- حسینی زاده، سید علی. (۱۳۸۹). *تربیت فرزند*. جلد اول. چاپ نهم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفری، عباس. (۱۳۸۶). *داوری در دعاوی خانوادگی قوانین موضوعه و رویه قضایی*. فقه و حقوق خانواده، ۱۲(۴۷)، ۹۵-۱۲۶.
- [https://flj.journals.isu.ac.ir/article\\_68014.html](https://flj.journals.isu.ac.ir/article_68014.html)
- جهرمی، افتخار؛ السان، مصطفی. (۱۳۹۹). *آیین دادرسی مدنی*. جلد اول. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- خدادادپور، منیره؛ جلالی، محمود. (۱۳۹۴). *واکاوی داوری در حل و فصل اختلافات خانوادگی*. مطالعات راهبردی زنان، ۱۶(۶۴)، ۲۳۹-۲۰۷.
- [http://www.jwss.ir/article\\_12021.html](http://www.jwss.ir/article_12021.html)
- سادات اسدی، لیلا. (۱۳۸۶). *سیاست افتراقی در رسیدگی به دعاوی خانوادگی و راهبردهای آن*. ندای صادق، ۱۲(۴۷)، ۹-۲۷.
- [https://flj.journals.isu.ac.ir/article\\_67998.html](https://flj.journals.isu.ac.ir/article_67998.html)
- شریعت کرمانی، عارف؛ صباحی گراغانی، معین. (۱۴۰۰). *رویکرد پیشگیرانه نهاد داوری: با تأکید بر کاهش پرونده‌های خانوادگی در سیستم قضایی*. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۶(۵۸)، ۲۱۱-۲۳۳.
- <https://www.magiran.com/volume/174534>
- شریعت کرمانی، عارف؛ صباحی گراغانی، معین. (۱۴۰۰). *نقش داوری در کاهش دعاوی خانوادگی با تأکید بر اسناد بین‌المللی*. *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۱۲(۴۵)، ۲۰۵-۱۸۴.
- [http://journals.police.ir/article\\_95909.html](http://journals.police.ir/article_95909.html)
- شهلا، مهدی. (۱۳۸۰). *خانه انصاف*. *کانون وکلا*، ۱۷۴، ۶۷-۷۶.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/72262/>
- درویشی، هویدا یوسف. (۱۳۸۴). *شیوه‌های جایگزین یا غیر قضایی حل و فصل اختلافات*. *قضاوت*، ۴(۳۲)، ۳۹-۳۴.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334278>
- رحیمی اصفهانی، غلامحسین. (۱۳۸۰). *وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر*. *عسگریه*.
- صادقی، حبیب؛ نیکخواه سرنقی، رضا؛ جوادی، محمد حسن. (۱۳۹۸). *نقد و تحلیل جایگاه نهاد مشاوره در قانون جدید حمایت خانواده*. *دین و قانون*، ۷(۲۶)، ۷۶-۸۴.
- [http://qjrl.cmirq.ir/browse.php?a\\_id=271&sid=1&slc\\_lang=fa](http://qjrl.cmirq.ir/browse.php?a_id=271&sid=1&slc_lang=fa)
- صفری، ناهید. (۱۳۹۸). *آیین دادرسی دعاوی خانوادگی در قانون جدید حمایت خانواده از منظر اصول خاص حاکم بر این دعاوی*. *فقه و حقوق خانواده*، ۷۰(۷۰)، ۹۱-۱۱۶.
- [https://flj.journals.isu.ac.ir/article\\_74773.html](https://flj.journals.isu.ac.ir/article_74773.html)
- علیمردانی، صدیقه. (۱۳۸۹). *مقایسه اثربخشی فرآیند داوری و مشاوره خانواده بر کاهش تعارض زوجین*. *مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده شهر اصفهان*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱(۲)، ۱۶۸-۱۳۷.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=128473>





- قبولی درافشان، سید محمد مهدی؛ محسنی، سعید. (۱۳۹۴). نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی. *پژوهشنامه زنان*، ۶(۲)، ۱۳۹-۱۱۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=285549>

- قربانوند، محمدباقر. (۱۳۹۳). *تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱*. چاپ اول. مجد.  
- لامع، زهرا؛ مینا، زهرا. (۱۳۹۹). مبانی حاکم بر حل و فصل دعاوی خانوادگی با رویکرد عدالت ترمیمی. *فقه و حقوق خانواده*، ۲۵(۷۳)، ۱۰۲-۷۵.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=560219>

- هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۳۹۷). طراحی نظام جامع حمایت خانواده. *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ۱۲(۳)، ۲۷-۵۰.

<http://ensani.ir/fa/article/444796>

- هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۳۸۴). نقد حکمیت در دعاوی خانوادگی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۷(۲۷)، ۱۱۲-۷۶.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=159780>